

بررسی تحولات فرزندآوری در ابعاد اجتماعی، جمعیتی براساس سرشماری‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰

علی اکبر محزون^۱

چکیده

در این مقاله به بررسی وضعیت فرزندآوری زنان حداقل یکبار ازدواج کرده با استفاده از داده‌های نمونه‌ای منتشر شده توسط مرکز آمار ایران از افراد و خانوارهای سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵ (۳۴۵,۷۹۹ خانوار و ۱,۳۶۷,۳۱۰ فرد) و ۱۳۹۰ (۴۲۳,۶۳۷ خانوار و ۱,۴۸۱,۵۸۶ فرد) که نمونه‌هایی نمایا برای این منظور در سطح «کل کشور» می‌باشند پرداخته شده است. برای این منظور، پس از طی مراحل اولیه در خصوص آماده‌سازی داده‌ها و کدگذاری‌های لازم، وضعیت تعداد کل فرزندان زنده به دنیا آورده توسط زنانی که حداقل یکبار ازدواج کرده‌اند (زنان دارای همسر، بدون همسر در اثر فوت و بدون همسر در اثر طلاق)، در ابعاد گوناگون مورد بررسی قرار گرفته است. این ابعاد برای وضعیت فرزندآوری عبارتند از: «بررسی تغییرات در طول زمان بین دو سرشماری»، «بررسی مکانی در سطح کل کشور، نقاط شهری و نقاط روستایی»، «بررسی در زنان دو گروه جمعیتی متفاوت یعنی متولدین قبل از ۱۳۵۰ و بعد از ۱۳۵۰ شمسی»، «بررسی برحسب سطوح استاندارد تحصیلی زنان»، «بررسی در اقشار شغلی - اجتماعی جامعه شامل: اقشار بالا، قشر متوسط جدید، قشر متوسط سنتی و اقشار کارگری و پایین».

در ادامه، با تعریف دو شاخص کلیدی یعنی به دنیا آوردن حداقل یک فرزند (شامل بدون فرزند و تک‌فرزند) به عنوان شاخصی از «تمایل به کم‌فرزندی» (البته با ملاحظه زوجین تازه ازدواج کرده) و به دنیا آوردن حداقل سه فرزند به عنوان شاخصی از «تمایل به فرزند بیشتر» به بررسی وضعیت این دو شاخص در گروه‌های مختلف جامعه پرداخته شده است.

براساس نتایج به دست آمده در این بررسی، تمایل به فرزند کمتر در فاصله بین دو سرشماری ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ بیشتر شده، در نقاط شهری بیش‌تر از نقاط روستایی است، در نسل‌های جدیدتر (متولدین بعد از ۱۳۵۰) به شدت افزایش یافته به طوری که با ملاحظات مربوط به زوجین تازه ازدواج کرده نیز همچنان تفاوت چشم‌گیر خواهد بود، با بالا رفتن سطح تحصیلات زنان افزایش پیدا نموده و در اقشار شغلی-اجتماعی به ترتیب برای قشر متوسط جدید، اقشار کارگری و پایین و اقشار بالا بیش‌تر از قشر متوسط سنتی است. در مقابل، تمایل به فرزند بیشتر نیز عکس نتایج به دست آمده‌ی فوق می‌باشد.

واژگان کلیدی: فرزندآوری، قشربندی شغلی - اجتماعی، قشربندی اجتماعی، فرزندان زنده به دنیا آمده.

مقدمه و طرح مسأله

موضوع تحولات جمعیتی و نقش بسیار حائز اهمیت آن در تمامی حوزه‌های زندگی بشری، موضوعی است که در ادوار مختلف به ویژه در سال‌های اخیر مورد توجه پژوهش‌گران، برنامه‌ریزان و سیاستگذاران بخش‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی کشورمان قرار گرفته است. در این میان، تحولات مربوط به فرزندآوری بیش از هر عامل دیگری در تغییرات و فراز و فرودهای شاخص‌های گوناگون جمعیتی نقش داشته و همین امر، تبیین‌کننده توجه ویژه مسئولین و محققین در هر یک از حوزه‌های تخصصی مرتبط با موضوع جمعیت می‌باشد.

از این رو، بر آن شدیم تا با کنکاش در برخی ابعاد اجتماعی، جمعیتی تحولات فرزندآوری و در حد بضاعت آمارهای موجود، ضمن حفظ روایی و اعتبار لازم، نسبت به شناسایی عوامل تأثیرگذار در تغییرپذیری شاخص‌های مربوطه اقدام نماییم. در حقیقت، سؤال اصلی این تحقیق به بررسی نظریه‌های مرتبط با تأثیر نوسازی و مدرنیزاسیون بر رفتارهای باروری مربوط می‌شود که با بررسی ابعاد مورد نظر، در جستجوی پاسخ به سؤالاتی نظیر: تأثیر شهرنشینی، هم‌سویی با فرایند زمانی توسعه و تغییرات سبک زندگی، افزایش سطح تحصیلات زوجین و طبقه اجتماعی سرپرستان خانوارها بر فرزندآوری زنان حداقل یکبار ازدواج کرده می‌باشیم. هم‌چنین، بررسی نظریه‌های مرتبط با هم‌گرایی در کاهش باروری در کشور نیز از اهداف این تحقیق بوده که با بررسی تغییرات فرزندآوری در گروه‌های جمعیتی مورد مطالعه در این مقاله اعم از شهری و روستایی، متولدین قبل و بعد از ۱۳۵۰، سطوح مختلف تحصیلی و اقشار شغلی - اجتماعی در فاصله بین دو سرشماری ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰، هم‌گرایی این تغییرات مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

لذا برای این منظور، از داده‌های نمونه‌ای منتشر شده توسط مرکز آمار ایران از افراد و خانوارهای سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ برای بررسی وضعیت فرزندآوری در بین زنان حداقل یک‌بار ازدواج کرده استفاده شده که بررسی‌ها نشان می‌دهد نمونه‌هایی نمایا برای دستیابی به این هدف در سطح «کل کشور» می‌باشند. در واقع، با این داده‌ها به اطلاعات نمونه‌ای «باروری طول عمر یا سابقه زنده‌زایی تا زمان سرشماری» دست می‌یابیم که تحلیل آن به تبیین رفتار باروری زنان کمک خواهد نمود.

با استفاده از داده‌های مذکور و پس از طی مراحل پیچیده‌ی اولیه در خصوص آماده‌سازی داده‌ها و کدگذاری‌های لازم، ضمن تعریف شاخص‌های مورد نظر برای دستیابی به هدف تحقیق به بررسی وضعیت شاخص‌های مذکور در گروه‌های مختلف جامعه پرداخته شده که روش‌شناسی و نتایج حاصله در بخش‌های بعدی این مقاله ارائه می‌گردد.

1. Convergence

داده‌های تحقیق

در این تحقیق، از داده‌های نمونه‌ای منتشر شده توسط مرکز آمار ایران از افراد و خانوارهای سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ برای بررسی وضعیت فرزندآوری زنان حداقل یک‌بار ازدواج کرده استفاده شده که بررسی‌ها نشان می‌دهد نمونه‌هایی نمایا برای دستیابی به این هدف در سطح «کل کشور»^۱ می‌باشند. همانطور که در درگاه ملی آمار نیز اشاره شده، تعداد رکوردهای نمونه برای سال ۱۳۸۵ شامل اطلاعات ۱,۳۶۷,۳۱۰ فرد در قالب ۳۴۵,۷۹۹ خانوار و برای سال ۱۳۹۰ شامل اطلاعات ۱,۴۸۱,۵۸۶ فرد در قالب ۴۲۳,۶۳۷ خانوار می‌باشد.

روش تحقیق

روش تحقیق در این مطالعه، تحلیل ثانویه داده‌های موجود بوده و از لحاظ تکنیکی نیز می‌توان آن را جزو تکنیک‌های توصیفی داده‌کاوی آماری در رکوردهای بانک‌های اطلاعاتی دسته‌بندی نمود. از آنجا که بررسی وضعیت فرزندان زنده به دنیا آورده توسط زنانی که حداقل یک‌بار ازدواج کرده‌اند (اعم از زنان دارای همسر، بدون همسر در اثر فوت و بدون همسر در اثر طلاق) در ابعاد گوناگون مورد نظر بوده، از نتایج سؤالات مربوط به ویژگی‌های فردی در رکوردهای افراد نمونه اعم از شهری و روستایی، بستگی با سرپرست خانوار، جنس، سن یا سال تولد، وضع سواد، کد پایه دوره یا مدرک تحصیلی، کد شغل، وضع شغلی، وضع زناشویی، تعداد کل فرزندان زنده به دنیا آورده (مجموع تعداد دختر و پسر) در رکوردهای نمونه‌ای سرشماری‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ استفاده شده است. در واقع، در این تحقیق داده‌های نمونه‌ای مربوط به «باروری طول عمر یا سابقه زنده‌زایی تا زمان سرشماری» در ابعاد گوناگون مورد بررسی قرار گرفته است که این ابعاد برای وضعیت فرزندآوری عبارتند از: «بررسی تغییرات در طول زمان بین دو سرشماری»، «بررسی مکانی در سطح کل کشور، نقاط شهری و نقاط روستایی»، «بررسی در زنان دو گروه جمعیتی متفاوت یعنی جمعیت ۴۰ ساله و بیشتر یا کمتر از ۴۰ ساله در زمان سرشماری (متولدین قبل و بعد از سال ۱۳۵۰ شمسی)»، «بررسی برحسب سطوح استاندارد تحصیلی زنان»، «بررسی در اقشار شغلی-اجتماعی جامعه شامل: اقشار بالا، اقشار متوسط جدید، اقشار متوسط سنتی و اقشار کارگری و پایین».

در زمینه اعتبار نتایج به دست آمده و با مقایسه نتایج مربوط به دو سرشماری مختلف در این تحقیق، می‌توان گفت که با توجه به اینکه نتایج به دست آمده از هر سرشماری مؤید دیگری در

۱- البته در سطح استان‌ها هم محاسبات صورت گرفته که به دلیل ایتیم نبودن نمونه‌ها در سطح استانی برای اهداف این مقاله، از ارائه آنها خودداری گردیده است.

برآورد حدود و ثغور شاخص‌های مربوطه می‌باشد، لذا اطمینان قابل قبولی از اعتبار برآوردها حاصل گردیده است.

معرفی شاخص‌های مورد استفاده در تحقیق

برای دستیابی به هدف مورد نظر در این تحقیق، با استفاده از تعداد کل فرزندان زنده به دنیا آورده توسط زنان حداقل یکبار ازدواج کرده‌ی هر یک از گروه‌های جمعیتی، سهم «بدون فرزند»، «دارای یک فرزند»، «دارای دو فرزند»، ... «دارای ده فرزند» و «دارای بیش از ده فرزند» از مجموع تمامی حالت‌ها محاسبه گردیده است. سپس، با تعریف دو شاخص کلیدی یعنی به دنیا آوردن حداکثر یک فرزند (شامل بدون فرزند و تک‌فرزند) به‌عنوان شاخصی از «تمایل به کم‌فرزندی» (البته با ملاحظه زوجین تازه ازدواج کرده) و به‌دنیا آوردن حداقل سه فرزند به عنوان شاخصی از «تمایل به فرزند بیشتر» به بررسی وضعیت این دو شاخص در گروه‌های مختلف جامعه پرداخته شده است. البته با وجود تعریف این دو شاخص کلیدی، نتایج برای هر یک از سطوح مختلف ارائه شده تا خوانندگان گرامی در صورت لزوم به جزئیات مورد نظر دسترسی داشته باشند.

آماده‌سازی داده‌ها و نحوه انجام محاسبات

قبل از انجام هر گونه محاسبات آماری، در ابتدا نسبت به آماده‌سازی داده‌ها و انجام کدگذاری‌های لازم اقدام شده که به مهم‌ترین آنها به شرح ذیل اشاره می‌شود:

- برای انجام محاسبات به تفکیک شهری و روستایی از فیلد RU استفاده شده که در آن کد ۰ مربوط به روستایی و کد ۱ مربوط به شهری بوده است.
- برای انجام محاسبات به تفکیک متولدین قبل و بعد از ۱۳۵۰ (۴۰ ساله و بیشتر یا کمتر از ۴۰ سال در زمان سرشماری) از فیلد مربوط به سن و اعمال شروط مربوطه استفاده شده است. در انتخاب سال ۱۳۵۰ برای تفکیک نسل‌های جدیدتر از نسل‌های قبل‌تر، هم نقطه عطف زمانی مربوط به توسعه کشور و تفاوت‌های سبک زندگی در این دو گروه از جمعیت کشور که به‌طور قابل توجهی محسوس به نظر می‌رسد مورد توجه واقع شده و هم طی شدن دوران کافی برای مقایسه باروری طول عمر لحاظ شده است. لذا سال ۱۳۵۰ شمسی برای بررسی تفاوت‌های فرزندآوری انتخاب گردیده که نتایج نیز از تفاوت‌های چشم‌گیر در این دو نسل حکایت دارند.
- برای بررسی تفاوت‌های فرزندآوری در سطوح مختلف تحصیلات زوجین از رقم اول فیلد «کد پایه دوره یا مدرک تحصیلی» استفاده شده که این کد از استاندارد بین‌المللی سطوح آموزشی یا تحصیلی (ISCED) پیروی می‌کند. در این طبقه‌بندی، برنامه‌های آموزشی در ۷ سطح دسته

بندی می‌شوند که عبارتند از: سطح (۰) آموزش پیش دبستانی (که در بررسی ما مورد استفاده نیست)، سطح (۱) آموزش ابتدایی یا اولین مرحله آموزش پایه، سطح (۲) سطح پایین‌تر از آموزش متوسطه یا دومین مرحله آموزش پایه (مانند: دوره راهنمایی)، سطح (۳) سطح بالاتر آموزش متوسطه (مانند دبیرستان و ...)، سطح (۴) آموزش پس از متوسطه (غیردانشگاهی) (که در نظام آموزشی ایران وجود ندارد)، سطح (۵) اولین مرحله آموزش عالی (مانند: کاردانی و کارشناسی) و سطح (۶) دومین مرحله آموزش عالی (مانند: کارشناسی ارشد و دکتری).

- به منظور بررسی فرزندآوری در اقشار و طبقات اجتماعی کشور، از نتایج مطالعات صورت گرفته در قشربندی اجتماعی کمک گرفته شده است. مطالعه صورت گرفته در این زمینه (سرایی ۱۳۸۶: ۲۹-۵) روش قابل قبولی را پیرامون قشربندی اجتماعی در ایران بر اساس وضع شغلی و گروه‌های عمده شغلی ارائه می‌دهد که نگارنده این مقاله ضمن نامگذاری آن تحت عنوان «قشربندی شغلی - اجتماعی» (به دلیل اینکه از لحاظ نظری، از مبانی اطلاعاتی دیگری به جز شغل نیز می‌توان به ساختار قشربندی اجتماعی دست یافت)، تلاش نموده تا با بهره‌گیری از امکانات نرم‌افزاری موجود نسبت به بروزرسانی نتایج آن با استفاده از نتایج سرشماری‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ بپردازد که می‌توان گفت این کار بدون بهره‌گیری از نرم‌افزارهای آماری و محاسباتی قوی بسیار طاقت‌فرسا و عملاً غیرممکن می‌نمود.

در واقع، ۴ طبقه شغلی-اجتماعی به دست آمده از مطالعه مذکور عبارتند از: «اقشار بالا»، «اقشار متوسط جدید»، «اقشار متوسط سنتی» و «اقشار کارگری و پایین». در خصوص اینکه کدام وضع شغلی و در قالب چه گروه‌های عمده شغلی‌ای مبنای این قشربندی قرار گرفته، به همین بسنده می‌کنیم که ساختار تشکیل‌دهنده هر یک از طبقات شغلی-اجتماعی مورد نظر به طور خلاصه به شرح ذیل است:

قشرهای بالا شامل:

کارفرمایان در گروه‌های عمده شغلی «مشاغل علمی، فنی و تخصصی»، «مدیران و کارمندان عالی رتبه اداری»، «فروشنندگان و کارکنان بازرگانی»، «کارکنان امور خدماتی»، «کشاورزان-دامداران» و «کارکنان گروه‌بندی نشده و نامشخص»

قشرهای متوسط سنتی شامل:

۱- کارکنان مستقل و کارکنان خانوادگی بدون مزد در گروه‌های عمده «فروشنندگان و کارکنان بازرگانی»، «کارکنان امور خدماتی»، «کشاورزان-دامداران» و «کارکنان گروه‌بندی نشده و نامشخص»

۲- کارفرمایان در گروه عمده «کارگران مشاغل تولیدی و رانندگان»

قشرهای متوسط جدید شامل:

۱- کارکنان گروه عمده «مشاغل علمی، فنی و تخصصی» به استثنای کارفرمایان

- ۲- کارکنان گروه عمده «مدیران و کارمندان عالی‌رتبه» به استثنای کارفرمایان
- ۳- گروه عمده شغلی «کارمندان اداری و دفتری و مشابه»
- ۴- مزد و حقوق بگیران بخشی عمومی در گروه‌های عمده شغلی «فروشنندگان و کارکنان بازرگانی و فروش»، «کشاورزان-دامداران»، «کارکنان امور خدماتی» و «کارکنان گروه‌بندی نشده و نامشخص»
- قشرهای کارگری و پایین شامل:
- ۱- مزد و حقوق بگیران بخش خصوصی در گروه‌های عمده شغلی «فروشنندگان و کارکنان بازرگانی»، «کارکنان امور خدماتی»، «کشاورزان-دامداران» و «کارکنان گروه‌بندی نشده و نامشخص»
- ۲- گروه عمده «کارگران مشاغل تولیدی و رانندگان» به استثنای کارفرمایان این گروه

نتایج

وضعیت فرزندآوری بر حسب محل سکونت (شهری و روستایی)

همانطور که در جدول ۱ آمده، شاخص تعریف شده برای تمایل به کم‌فرزندی، هم در سال ۱۳۸۵ و هم در سال ۱۳۹۰ در نقاط شهری بیش از نقاط روستایی است که تأثیر شهرنشینی را بر رفتار فرزندآوری نمایان می‌سازد. همچنین تمایل به کم‌فرزندی در کل کشور، نقاط شهری و نقاط روستایی در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۸۵ افزایش یافته که می‌تواند تأییدی دیگر بر هم‌گرایی کاهش فرزندآوری در گروه‌های مختلف جمعیتی قلمداد گردد. در مقابل، شاخص «تمایل به فرزند بیشتر» به دلیل اینکه از لحاظ ریاضی نیز به نوعی مکمل شاخص قبلی است، به عکس شاخص قبلی رفتار نموده است که بنا به دلیل ریاضی مذکور در ادامه مقاله از تشریح نتایج آن اجتناب نموده و صرفاً به ارائه مقادیر به دست آمده برای هر دو شاخص اکتفا می‌شود.

در نمودار ۱ که به دلیل رعایت اختصار فقط برای نتایج سال ۱۳۹۰ ارائه شده، مرز تعداد فرزند که موجب اختلاف نقاط شهری و روستایی گردیده نشان داده شده که «چهار فرزند» است؛ به این معنی که تا قبل از چهار فرزند، سهم نقاط شهری بیشتر از نقاط روستایی است و از چهار فرزند به بعد سهم نقاط روستایی بیشتر از نقاط شهری می‌باشد.

جدول (۱): درصد زنان حداقل یکبار ازدواج کرده براساس تعداد کل فرزندان زنده به دنیا آورده در نقاط

شهری و روستایی

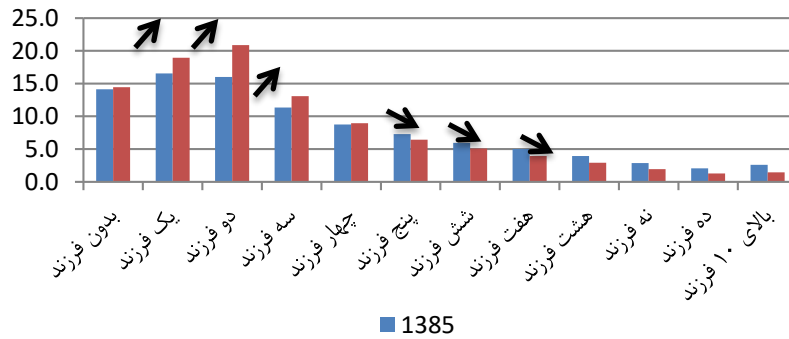
تعداد فرزند	۱۳۸۵			۱۳۹۰		
	کل	شهری	روستایی	کل	شهری	روستایی
بدون فرزند	۱۴,۱	۱۴,۲	۱۴,۰	۱۴,۴	۱۴,۷	۱۳,۹
یک فرزند	۱۶,۵	۱۷,۷	۱۴,۹	۱۸,۹	۱۹,۹	۱۶,۴
دو فرزند	۱۶,۰	۱۸,۰	۱۳,۳	۲۰,۹	۲۲,۵	۱۶,۷
سه فرزند	۱۱,۳	۱۲,۵	۹,۸	۱۳,۱	۱۳,۷	۱۱,۴
چهار فرزند	۸,۸	۹,۰	۸,۴	۸,۹	۹,۰	۸,۸
پنج فرزند	۷,۳	۷,۱	۷,۶	۶,۴	۶,۱	۷,۳
شش فرزند	۵,۹	۵,۴	۶,۷	۵,۱	۴,۵	۶,۵
هفت فرزند	۵,۰	۴,۲	۶,۱	۳,۹	۳,۳	۵,۶
هشت فرزند	۳,۹	۳,۱	۵,۱	۲,۹	۲,۳	۴,۵
نه فرزند	۲,۹	۲,۱	۳,۹	۱,۹	۱,۴	۳,۳
ده فرزند	۲,۱	۱,۴	۲,۹	۱,۳	۰,۹	۲,۳
بالای ۱۰ فرزند	۲,۶	۱,۷	۳,۹	۱,۴	۱,۰	۲,۷
حداکثر یک فرزند	۳۰,۷	۳۲,۰	۲۸,۹	۳۳,۳	۳۴,۶	۳۰,۲
حداقل سه فرزند	۴۹,۸	۴۶,۵	۵۴,۳	۴۵,۰	۴۲,۲	۵۲,۴

* اختلاف جزئی بین سرجمع و مجموع اجزاء در هر سطر، به دلیل موارد اظهار نشده می‌باشد.



نمودار (۱): درصد زنان ازدواج کرده براساس تعداد فرزند
بررسی نمونه‌ای از سرشماری ۱۳۹۰

در نمودار ۲ نیز که به دلیل رعایت اختصار فقط برای سطح کل کشور ارائه شده، از زاویه دیگری به بررسی تحولات فرزندآوری پرداخته شده که نشان می‌دهد بین سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ سهم‌های مربوط به تعداد کمتر فرزند تا قبل از سطح «چهار فرزند» رو به افزایش بوده و از سطح «پنج فرزند» به بعد سهم‌ها رو به کاهش گذاشته‌اند.



■ 1385

نمودار (۲): بررسی نمونه‌ای درصد زنان ازدواج کرده براساس تعداد فرزند - کل کشور

وضعیت فرزندآوری در نسل‌های متولدین قبل و بعد از ۱۳۵۰

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، شاخص تمایل به کم‌فرزندی در نسل متولدین بعد از ۱۳۵۰ هم در سرشماری ۱۳۸۵ و هم در سرشماری ۱۳۹۰ بیش از ۵۰ درصد است که البته می‌دانیم بخشی از دلیل بالا بودن این شاخص نسبت به متولدین قبل از ۱۳۵۰ را باید به افرادی که سنوات زیادی از ازدواج‌شان نگذشته نسبت داد که هنوز دوران باروری را به طور کامل به اتمام نرسانده‌اند. اما در مقابل مقدار ۷,۳ درصدی این شاخص برای متولدین قبل از ۱۳۵۰، می‌توان حدس زد که هر چقدر هم سهم تازه ازدواج کرده‌ها را از نسل جدیدتر حذف کنیم، این اختلاف فاحش هم‌چنان وجود خواهد داشت که تعیین مقدار دقیق آن نیازمند مطالعه‌ای جداگانه است. بر همین اساس، مشاهده می‌شود که حدود ۸۰ درصد از متولدین قبل از ۱۳۵۰ حداقل سه فرزند داشته‌اند که حاکی از درصد بالای تمایل به فرزند بیشتر در نسل قدیم کشور دارد.

جدول (۲): درصد زنان حداقل یکبار ازدواج کرده براساس تعداد کل فرزندان زنده به دنیا آورده در نسل‌های متولدین قبل و بعد از ۱۳۵۰

تعداد فرزند	۱۳۹۰		۱۳۸۵
	متولدین بعد از ۱۳۵۰	متولدین قبل از ۱۳۵۰	متولدین بعد از ۱۳۵۰
بدون فرزند	۲۳,۵	۳,۴	۲۶,۵
یک فرزند	۳۱,۳	۳,۹	۳۱,۲
دو فرزند	۲۷,۲	۱۳,۲	۲۲,۸
سه فرزند	۱۰,۷	۱۶,۰	۹,۴
چهار فرزند	۴,۰	۱۵,۰	۳,۹
پنج فرزند	۱,۵	۱۲,۴	۱,۷
شش فرزند	۰,۷	۱۰,۴	۰,۹
هفت فرزند	۰,۳	۸,۴	۰,۸
هشت فرزند	۰,۲	۶,۳	۱,۴
نه فرزند	۰,۱	۴,۲	۱,۱
ده فرزند	۰,۰	۲,۸	۰,۰
بالای ۱۰ فرزند	۰,۱	۳,۱	۰,۳
حداکثر یک فرزند	۵۴,۸	۷,۳	۵۷,۷
حداقل سه فرزند	۱۷,۶	۷۸,۶	۱۹,۵

وضعیت فرزندآوری برحسب سطوح تحصیلی

به منظور بررسی رابطه فرزندآوری با سطح تحصیلات هر یک از زوجین، همان‌طور که در بخش دوم مقاله اشاره شده از استاندارد بین‌المللی سطوح آموزشی یا تحصیلی (ISCED) استفاده نموده‌ایم که شرح هر یک از سطوح و وجود نداشتن سطح ۴ آن در نظام آموزشی ایران در همانجا آمده است. نتایج مندرج در جدول ۳ که به دلیل رعایت اختصار فقط برای سال ۱۳۹۰ ارائه شده، نشان می‌دهد با افزایش سطح تحصیلات زنانی که مورد پرسش تعداد کل فرزندان زنده به دنیا آورده قرار گرفته‌اند، شاخص تمایل به کم‌فرزندی افزایش یافته تا جایی که با ورود به سطوح آموزش عالی (کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا) این شاخص به بالای ۵۰ درصد می‌رسد (البته برای نتایج سال ۱۳۸۵ که به دلیل پیش‌گفته در این مقاله ارائه نشده، روند افزایشی تمایل به کم‌فرزندی تا سطح دکترا نیز همچنان استمرار دارد که ممکن است به نوع گردآوری یا کدگذاری داده‌ها مربوط بوده یا از واقعیاتی اجتماعی خبر دهد). می‌توان بخش عمده‌ای از این

۱- نتایج مربوط به سال ۱۳۸۵ و تمامی نتایج تفصیلی تحقیق که به دلیل رعایت اختصار در مقاله ارائه نشده، نزد نگارنده موجود و در صورت درخواست از طریق ایمیل ارائه شده، قابل تقدیم خواهد بود.

روند افزایشی همگام با افزایش سطح تحصیلات را ناشی از موکول نمودن سهم قابل توجهی از ازدواج‌ها و فرزندآوری‌ها به بعد از پایان تحصیلات برشمرد که از همبستگی بین سن و سطح تحصیلات حکایت دارد.

جدول (۳): درصد زنان حداقل یکبار ازدواج کرده براساس تعداد کل فرزندان زنده به دنیا آورده در سطوح مختلف تحصیلی زنان (نتایج ۱۳۹۰)

تعداد فرزند	سطح ۱	سطح ۲	سطح ۳	سطح ۴	سطح ۵	سطح ۶
بدون فرزند	۸،۰	۱۳،۴	۲۰،۹	۳۴،۱	۲۴،۰	۲۴،۰
یک فرزند	۱۳،۵	۲۳،۱	۳۱،۵	۳۱،۱	۲۷،۹	۲۷،۹
دو فرزند	۲۱،۵	۲۹،۱	۲۹،۱	۲۴،۰	۲۸،۷	۲۸،۷
سه فرزند	۱۹،۱	۱۷،۷	۱۱،۷	۷،۶	۸،۹	۸،۹
چهار فرزند	۱۴،۶	۸،۹	۴،۲	۲،۰	۴،۶	۴،۶
پنج فرزند	۹،۳	۴،۰	۱،۳	۰،۵	۲،۰	۲،۰
شش فرزند	۶،۱	۱،۸	۰،۵	۰،۲	۱،۳	۱،۳
هفت فرزند	۳،۵	۰،۸	۰،۲	۰،۱	۰،۶	۰،۶
هشت فرزند	۲،۰	۰،۴	۰،۱	۰،۰	۰،۳	۰،۳
نه فرزند	۱،۰	۰،۲	۰،۰	۰،۰	۰،۳	۰،۳
ده فرزند	۰،۵	۰،۱	۰،۰	۰،۰	۰،۰	۰،۰
بالای ۱۰ فرزند	۰،۵	۰،۱	۰،۰	۰،۰	۰،۰	۰،۰
حداکثر یک فرزند	۲۱،۵	۳۶،۵	۵۲،۴	۶۵،۲	۵۱،۹	۵۱،۹
حداقل سه فرزند	۵۶،۶	۳۴،۰	۱۸،۰	۱۰،۴	۱۸،۰	۱۸،۰

در جدول ۴ همین روند برای سطح تحصیلات سرپرست خانوار که عمدتاً همسران زنان مورد پرسش می‌باشند (با اغماض زنان سرپرست خانوار و سایر حالت‌های محتمل) بررسی شده که نشان می‌دهد از سطوح تحصیلی آموزش عالی به بعد برای سرپرستان خانوارها، شاخص تمایل به کم‌فرزندی نسبت به سطوح تحصیلی مشابه برای زنان مورد پرسش، کاهش محسوسی داشته و تا حدودی از شدت روند افزایشی آن کاسته شده است. می‌توان این تفاوت را به نقش سرپرستان خانوارها در تعدیل تمایل به کم‌فرزندی با افزایش سطح تحصیلات برشمرد که محل تأمل و بررسی است.

جدول (۴): درصد زنان حداقل یکبار ازدواج کرده براساس تعداد کل فرزندان زنده به دنیا آورده در سطوح

مختلف تحصیلی سرپرست خانوار (نتایج ۱۳۹۰)

تعداد فرزند	سطح ۱	سطح ۲	سطح ۳	سطح ۴	سطح ۵	سطح ۶
بدون فرزند	۱۲،۱	۱۴،۴	۱۷،۱	۱۸،۳	۱۴،۷	
یک فرزند	۱۴،۶	۲۳،۷	۲۶،۸	۲۴،۹	۲۱،۹	
دو فرزند	۱۹،۱	۲۵،۷	۲۶،۲	۲۷،۳	۲۹،۳	
سه فرزند	۱۵،۱	۱۴،۷	۱۳،۲	۱۴،۱	۱۵،۶	
چهار فرزند	۱۱،۸	۸،۳	۷،۱	۶،۶	۷،۲	
پنج فرزند	۸،۷	۴،۸	۳،۶	۳،۳	۳،۶	
شش فرزند	۶،۵	۳،۰	۲،۲	۱،۹	۲،۸	
هفت فرزند	۴،۴	۱،۹	۱،۳	۱،۲	۱،۵	
هشت فرزند	۳،۰	۱،۲	۰،۸	۰،۸	۱،۳	
نه فرزند	۱،۸	۰،۷	۰،۵	۰،۴	۰،۵	
ده فرزند	۱،۱	۰،۴	۰،۳	۰،۳	۰،۰	
بالای ۱۰ فرزند	۱،۱	۰،۴	۰،۳	۰،۳	۰،۶	
حداکثر یک فرزند	۲۶،۷	۳۸،۱	۴۳،۹	۴۳،۲	۳۶،۶	
حداقل سه فرزند	۵۳،۵	۳۵،۴	۲۹،۳	۲۸،۹	۳۳،۱	

در جدول ۵ نیز به بررسی رابطه بین فرزندآوری و سطوح تحصیلی برای زنان متولد قبل و بعد از ۱۳۵۰ پرداخته شده که نتایج نشان می‌دهد در تمامی سطوح تحصیلی شاخص تمایل به کم‌فرزندی در نسل‌های جدیدتر افزایش داشته و تأییدی دیگر بر هم‌گرایی کاهش فرزندآوری در گروه‌های مختلف جمعیتی می‌باشد.

وضعیت فرزندآوری برحسب قشر شغلی - اجتماعی سرپرست خانوار

در زمینه قشربندی شغلی - اجتماعی در ایران، مطالعه صورت گرفته در این زمینه (سرایی ۱۳۸۶: ۲۹-۵) روش قابل قبولی را پیرامون قشربندی اجتماعی بر اساس وضع شغلی و گروه‌های عمده شغلی ارائه می‌دهد که نگارنده این مقاله ضمن نام‌گذاری آن تحت عنوان «قشربندی شغلی - اجتماعی» (به دلیل اینکه از لحاظ نظری، از مبانی اطلاعاتی دیگری به جز شغل نیز می‌توان به ساختار قشربندی اجتماعی دست یافت)، تلاش نموده تا با بهره‌گیری از امکانات نرم‌افزاری موجود نسبت به بروزرسانی نتایج آن با استفاده از نتایج سرشماری‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ مطابق جدول ۶ بپردازد. لذا با مرور نتایج قبلی و جدید به‌دست آمده، ملاحظه می‌شود که علی‌رغم افزایش اندک سهم اقشار بالا و کاهش اندک سهم اقشار کارگری و پایین، سهم اقشار متوسط جدید در مقابل سهم اقشار متوسط سنتی به مراتب در دهه‌های اخیر فزونی یافته که انتظار می‌رود این پدیده سبک جدیدی از زندگی‌ها و به تبع آن، رفتارهای فرزندآوری را رقم بزند. ما نیز در این بخش از مقاله تلاش نمودیم تا با بررسی داده‌های نمونه‌ای سرشماری‌های اخیر، رفتار فرزندآوری را در این اقشار مورد بررسی قرار دهیم که می‌توان گفت این کار بدون بهره‌گیری از نرم‌افزارهای آماری و

محاسباتی قوی بسیار طاقت‌فرسا و عملاً غیرممکن می‌نمود. در خصوص اینکه کدام وضع شغلی و در قالب چه گروه‌های عمده شغلی‌ای مبنای این قشربندی قرار گرفته، در بخش ۲-۴-۴ شرح داده شده است.

جدول (۵): درصد زنان حداقل یکبار ازدواج کرده براساس تعداد کل فرزندان زنده به دنیا آورده در سطوح مختلف تحصیلی زنان متولد قبل و بعد از ۱۳۵۰ (نتایج ۱۳۹۰)

تعداد فرزند	متولدین قبل از ۱۳۵۰				
	سطح ۱	سطح ۲	سطح ۳	سطح ۵	سطح ۶
بدون فرزند	۲٫۷	۲٫۵	۳٫۳	۵٫۱	۷٫۴
یک فرزند	۳٫۳	۴٫۷	۷٫۸	۱۳٫۲	۱۷٫۴
دو فرزند	۱۰٫۲	۲۰٫۶	۳۵٫۱	۴۴٫۱	۳۹٫۱
سه فرزند	۱۹٫۰	۳۸٫۲	۳۰٫۳	۲۵٫۵	۱۷٫۴
چهار فرزند	۲۱٫۵	۳۱٫۷	۱۴٫۶	۸٫۱	۷٫۴
پنج فرزند	۱۶٫۳	۱۱٫۴	۵٫۰	۲٫۱	۴٫۳
شش فرزند	۱۱٫۵	۵٫۳	۱٫۹	۰٫۶	۲٫۷
هفت فرزند	۶٫۹	۲٫۵	۰٫۶	۰٫۳	۱٫۶
هشت فرزند	۴٫۰	۱٫۲	۰٫۳	۰٫۱	۰٫۸
نه فرزند	۲٫۰	۰٫۵	۰٫۱	۰٫۰	۰٫۸
ده فرزند	۱٫۰	۰٫۲	۰٫۱	۰٫۰	۰٫۰
بالای ۱۰ فرزند	۰٫۹	۰٫۱	۰٫۱	۰٫۰	۰٫۰
حداکثر یک فرزند	۶٫۰	۷٫۲	۱۱٫۱	۱۸٫۲	۲۴٫۸
حداقل سه فرزند	۸۳٫۱	۷۱٫۲	۵۳٫۰	۳۶٫۸	۲۴٫۹

تعداد فرزند	متولدین بعد از ۱۳۵۰				
	سطح ۱	سطح ۲	سطح ۳	سطح ۵	سطح ۶
بدون فرزند	۱۲٫۹	۱۸٫۰	۲۶٫۳	۴۱٫۵	۳۵٫۴
یک فرزند	۲۲٫۸	۳۰٫۹	۳۸٫۸	۲۵٫۷	۳۵٫۱
دو فرزند	۳۱٫۸	۳۲٫۶	۲۷٫۳	۱۹٫۰	۲۱٫۶
سه فرزند	۱۹٫۲	۱۳٫۳	۶٫۰	۳٫۱	۳٫۲
چهار فرزند	۸٫۲	۳٫۵	۱٫۰	۰٫۴	۲٫۶
پنج فرزند	۲٫۹	۰٫۹	۰٫۲	۰٫۱	۰٫۵
شش فرزند	۱٫۲	۰٫۳	۰٫۱	۰٫۱	۰٫۳
هفت فرزند	۰٫۴	۰٫۱	۰٫۰	۰٫۰	۰٫۰
هشت فرزند	۰٫۲	۰٫۰	۰٫۰	۰٫۰	۰٫۰
نه فرزند	۰٫۱	۰٫۰	۰٫۰	۰٫۰	۰٫۰
ده فرزند	۰٫۰	۰٫۰	۰٫۰	۰٫۰	۰٫۰
بالای ۱۰ فرزند	۰٫۱	۰٫۱	۰٫۰	۰٫۰	۰٫۰
حداکثر یک فرزند	۳۵٫۷	۴۸٫۹	۶۵٫۱	۷۷٫۲	۷۰٫۴
حداقل سه فرزند	۳۲٫۲	۱۸٫۲	۷٫۴	۳٫۶	۶٫۶

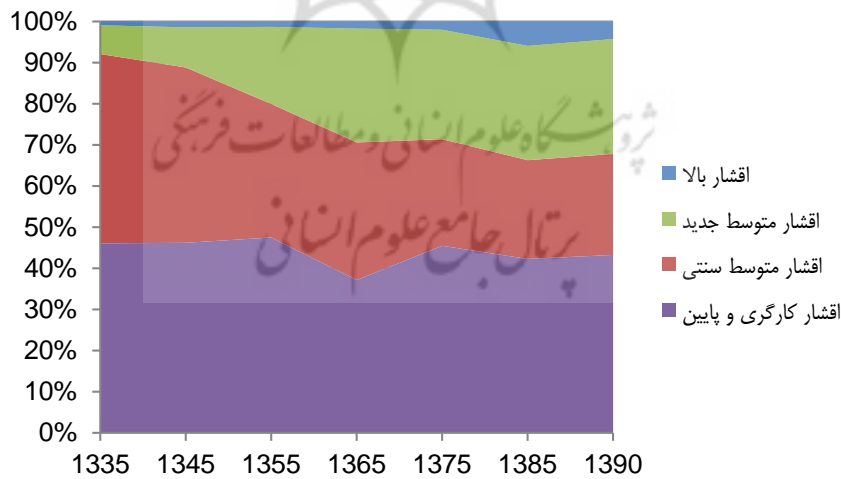
جدول (۶) ساختار قشربندی اجتماعی ایران در سرشماری‌ها براساس وضع شغلی در گروه‌های عمده شغلی

سرشماری	کل شاغلان	اقشار بالا	اقشار متوسط جدید	اقشار متوسط سنتی	اقشار کارگری و پایین
۱۳۳۵	۹۸,۴	۰,۹	۶,۹	۴۵,۳	۴۵,۳
۱۳۴۵	۹۹,۳	۱,۴	۹,۷	۴۲,۳	۴۵,۹
۱۳۵۵	۹۹,۸	۱,۳	۱۸,۷	۳۲,۴	۴۷,۴
۱۳۶۵	۹۸,۰	۱,۷	۲۷,۱	۳۲,۸	۳۶,۴
۱۳۷۵	۹۹,۲	۲,۰	۲۶,۴	۲۵,۷	۴۵,۱
۱۳۸۵	۹۸,۱	۵,۸	۲۷,۲	۲۳,۶	۴۱,۵
۱۳۹۰	۹۵,۳	۴,۰	۲۶,۶	۲۳,۴	۴۱,۲

منبع: مقاله سربایی (۱۳۸۶: ۵-۲۹) برای سرشماری‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵ و محاسبات نگارنده برای سرشماری‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰

نمودار ۳ نیز تحولات این قشربندی و سهم هر طبقه را در سرشماری‌های مختلف به تصویر کشیده است.

در جدول ۷ رابطه فرزندآوری با طبقه شغلی - اجتماعی سرپرستان خانوارها براساس داده‌های نمونه‌ای سرشماری‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ ارائه شده است. همانطور که نتایج هر دو سرشماری نشان می‌دهد، تمایل به کم‌فرزندی به ترتیب در «اقشار متوسط جدید»، «اقشار کارگری و پایین» و «اقشار بالا» بیشتر از «اقشار متوسط سنتی» است که نشان دهنده مقاومت بیشتر جامعه سنتی در مقابل تمایل به کم‌فرزندی و مؤید تأثیر مدرن زندگی نسبت به زندگی‌های سنتی‌تر در رفتار فرزندآوری است.



نمودار (۳): تحولات قشربندی شغلی-اجتماعی ایران در سرشماری‌ها

جدول (۷): درصد زنان حداقل یکبار ازدواج کرده براساس تعداد کل فرزندان زنده به دنیا آورده برحسب طبقه شغلی-اجتماعی سرپرست خانوار

۱۳۹۰				۱۳۸۵				تعداد فرزند
اقشار کارگری و پایین	اقشار متوسط سنتی	اقشار متوسط جدید	اقشار بالا	اقشار کارگری و پایین	اقشار متوسط سنتی	اقشار متوسط جدید	اقشار بالا	
۱۵،۵	۱۲،۶	۱۷،۷	۱۵،۳	۱۵،۵	۱۳،۵	۱۵،۴	۱۴،۴	بدون فرزند
۲۵،۲	۱۴،۴	۲۸،۰	۲۲،۳	۲۱،۴	۱۴،۳	۲۳،۰	۱۷،۶	یک فرزند
۲۵،۰	۱۶،۸	۳۰،۵	۲۷،۴	۱۹،۳	۱۳،۵	۲۵،۰	۱۸،۴	دو فرزند
۱۳،۳	۱۱،۸	۱۲،۹	۱۳،۹	۱۲،۳	۱۰،۰	۱۴،۶	۱۲،۴	سه فرزند
۷،۸	۹،۳	۵،۱	۷،۸	۸،۶	۸،۸	۷،۸	۸،۵	چهار فرزند
۴،۷	۷،۹	۲،۲	۴،۵	۶،۵	۸،۰	۴،۴	۷،۰	پنج فرزند
۳،۲	۷،۰	۱،۳	۲،۷	۴،۸	۷،۴	۲،۷	۵،۵	شش فرزند
۲،۰	۶،۲	۰،۷	۲،۰	۳،۸	۶،۹	۲،۲	۴،۸	هفت فرزند
۱،۳	۴،۸	۰،۵	۱،۵	۳،۳	۶،۱	۲،۲	۴،۵	هشت فرزند
۰،۷	۳،۵	۰،۳	۰،۸	۲،۴	۴،۷	۱،۷	۳،۳	نه فرزند
۰،۴	۲،۴	۰،۲	۰،۵	۰،۹	۲،۹	۰،۴	۱،۵	ده فرزند
۰،۴	۲،۷	۰،۲	۰،۷	۱،۲	۴،۰	۰،۶	۲،۱	بالای ۱۰ فرزند
۴۰،۷	۲۷،۰	۴۵،۷	۳۷،۶	۳۶،۹	۲۷،۸	۳۸،۴	۳۲،۰	حداکثر یک فرزند
۲۳،۸	۵۵،۶	۲۳،۴	۲۴،۴	۴۳،۸	۵۸،۸	۳۶،۶	۴۹،۶	حداقل سه فرزند

جدول ۸ که به بررسی رابطه فرزندآوری با طبقه شغلی - اجتماعی سرپرستان خانوارها برای متولدین قبل و بعد از ۱۳۵۰ پرداخته (و باز هم به دلیل رعایت اختصار فقط نتایج مربوط به ۱۳۹۰ ارائه شده)، نشان می‌دهند که: اولاً در تمامی اقشار تمایل به کم‌فرزندی در نسل جدیدتر نسبت به نسل قبلی افزایش یافته که مؤیدی دیگر بر هم‌گرایی کاهش فرزندآوری در گروه‌های مختلف جمعیتی می‌باشد. ثانیاً ترتیب تمایل به کم‌فرزندی در هر دو نسل به صورت «اقشار متوسط جدید»، «اقشار بالا»، «اقشار کارگری و پایین» و «اقشار متوسط سنتی» در مقایسه با نتایج کل نمونه مربوط به سرشماری‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ تغییر یافته که تا حدودی محل تأمل است ولی همچنان از بالا بودن تمایل به کم‌فرزندی در اقشار متوسط جدید و مقاومت در برابر آن در اقشار متوسط سنتی حکایت دارد.

جدول (۸): درصد زنان حداقل یکبار ازدواج کرده براساس تعداد کل فرزندان زنده به دنیا آورده برحسب طبقه شغلی-اجتماعی سرپرست خانوار متولد قبل و بعد از ۱۳۵۰ (نتایج ۱۳۹۰)

تعداد فرزند	متولدین قبل از ۱۳۵۰				متولدین بعد از ۱۳۵۰			
	اقتشار بالا	متوسط جدید	متوسط سنتی	اقتشار کارگری و پایین	اقتشار بالا	متوسط جدید	متوسط سنتی	اقتشار کارگری و پایین
بدون فرزند	۲،۲	۲،۶	۲،۷	۲،۴	۲۳،۵	۲۲،۸	۲۳،۱	۲۰،۴
یک فرزند	۵،۵	۷،۶	۲،۴	۳،۹	۳۳،۰	۳۵،۰	۲۷،۱	۳۳،۰
دو فرزند	۲۴،۱	۳۱،۹	۷،۹	۱۵،۴	۲۹،۶	۳۰،۰	۲۶،۳	۲۸،۵
سه فرزند	۳۱،۴	۲۴،۷	۱۱،۰	۱۹،۰	۹،۱	۸،۹	۱۲،۶	۱۱،۲
چهار فرزند	۱۵،۵	۱۳،۵	۱۲،۶	۱۸،۰	۲،۹	۲،۲	۵،۸	۴،۱
پنج فرزند	۱۰،۰	۷،۱	۱۳،۰	۱۳،۲	۱،۰	۰،۶	۲،۵	۱،۵
شش فرزند	۶،۵	۴،۳	۱۲،۶	۱۰،۱	۰،۳	۰،۲	۱،۲	۰،۷
هفت فرزند	۴،۹	۲،۶	۱۱،۴	۶،۵	۰،۱	۰،۱	۰،۷	۰،۳
هشت فرزند	۳،۸	۱،۸	۹،۱	۴،۴	۰،۰	۰،۰	۰،۳	۰،۱
نه فرزند	۱،۹	۱،۰	۶،۷	۲،۶	۰،۰	۰،۰	۰،۲	۰،۱
ده فرزند	۱،۲	۰،۶	۴،۶	۱،۴	۰،۰	۰،۰	۰،۱	۰،۰
بالای ۱۰ فرزند	۱،۸	۰،۷	۵،۲	۱،۵	۰،۱	۰،۰	۰،۱	۰،۱
حداکثر یک فرزند	۷،۹	۱۰،۲	۵،۱	۶،۴	۵۶،۵	۵۷،۸	۵۰،۲	۵۳،۴
حداقل سه فرزند	۶۷،۰	۵۶،۳	۸۶،۱	۷۶،۹	۱۳،۵	۱۲،۰	۲۳،۳	۱۷،۹

نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش شد تا با کنکاش در برخی ابعاد اجتماعی، جمعیتی تحولات فرزندآوری و در حد بضاعت آمارهای موجود، ضمن حفظ روایی و اعتبار لازم، نسبت به شناسایی عوامل تأثیرگذار در تغییرپذیری شاخص‌های مربوطه اقدام گردد. در حقیقت، سؤال اصلی این تحقیق به بررسی تئوری‌های مرتبط با تأثیر نوسازی و مدرنیزاسیون بر رفتارهای باروری مربوط می‌شد که با بررسی ابعاد مورد نظر با استفاده از داده‌های نمونه‌ای منتشر شده توسط مرکز آمار ایران از افراد و خانوارهای سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰، درصد پاسخ به سؤالاتی نظیر: تأثیر شهرنشینی، هم‌سویی با فرایند زمانی توسعه و تغییرات سبک زندگی، افزایش سطح تحصیلات زوجین و طبقه اجتماعی سرپرستان خانوارها بر فرزندآوری زنان حداقل یکبار ازدواج کرده برآمدیم. همچنین، بررسی نظریه‌های مربوط به هم‌گرایی در کاهش باروری در کشور نیز از اهداف این تحقیق بود که با بررسی تغییرات فرزندآوری در گروه‌های جمعیتی مورد مطالعه در این مقاله اعم از شهری و روستایی، متولدین قبل و بعد از ۱۳۵۰، سطوح مختلف تحصیلی و اقتشار شغلی-اجتماعی در فاصله بین دو سرشماری ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰، هم‌گرایی این تغییرات مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

در زمینه اعتبار نتایج به دست آمده و با مقایسه نتایج مربوط به دو سرشماری مختلف در این تحقیق، می توان گفت که با توجه به اینکه نتایج به دست آمده از هر سرشماری مؤید دیگری در برآورد حدود و ثغور شاخص های مربوطه می باشد، لذا اطمینان قابل قبولی از اعتبار برآوردها حاصل گردیده است.

براساس نتایج به دست آمده در این بررسی:

تمایل به فرزند کمتر در تمامی گروه های جمعیتی مورد مطالعه در این مقاله اعم از شهری و روستایی، متولدین قبل و بعد از ۱۳۵۰، سطوح مختلف تحصیلی و اقشار شغلی - اجتماعی در فاصله بین دو سرشماری ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ بیشتر شده که همگی مؤید نظریه های مربوط به هم گرایی در کاهش فرزندآوری در فاصله دو سرشماری می باشند.

شاخص «تمایل به کم فرزند» در نقاط شهری بیش تر از نقاط روستایی است که می تواند مؤید نظریه های مربوط به نوسازی و مدرنیزاسیون در تبیین کاهش تمایل به فرزندآوری باشد.

تمایل به کم فرزند در نسل های جدیدتر (متولدین بعد از ۱۳۵۰) نسبت به نسل های قبل تر (متولدین قبل از ۱۳۵۰) به شدت افزایش یافته، به طوری که با ملاحظات مربوط به زوجین تازه ازدواج کرده نیز همچنان تفاوت چشمگیر قلمداد می شود.

تمایل به کم فرزند با بالا رفتن سطح تحصیلات زنان و همچنین سطح تحصیلات سرپرستان خانوارها افزایش پیدا نموده که البته در سطوح آموزش عالی برای سرپرستان خانوارها، تا حدودی از شدت افزایش شاخص تمایل به کم فرزند کاسته شده.

شاخص تمایل به کم فرزند در بین اقشار شغلی اجتماعی به ترتیب برای «اقشار متوسط جدید»، «اقشار کارگری و پایین» و «اقشار بالا» بیشتر از «اقشار متوسط سنتی» است.

منابع

۱. درگاه ملی آمار، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰، داده‌های خام ۲ درصد.
۲. درگاه ملی آمار، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵، داده‌های خام ۲۰ درصد.
۳. سرایی، حسن و محمد حسین بحرانی (۱۳۸۶) "کاربرد نتایج سرشماری‌های عمومی در بررسی ساختار و تحولات قشریندی اجتماعی ایران"، نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، شماره ۳، صص ۲۹-۵.
۴. عباسی شوازی، محمدجلال و میمنت حسینی چاوشی (۱۳۹۲)، "تحولات باروری در ایران در چهاردهه‌ی اخیر - کاربرد و ارزیابی روش فرزندان خود در برآورد باروری با استفاده از داده‌های سرشماری ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۰"، تهران: پژوهشکده آمار.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی